

# پاسخ سؤالات؟

این سؤال و جوابی که از نظر شما میگذرد سؤالاتی است که در زمینه‌های مختلف در داخل و خارج از دانشمند معظم جناب آقای محمد تقی جعفری تهریزی شده است و معظم له برای استفاده عموم انحصاراً در اختیار ما گذارده اند.  
(معارف جعفری)

## سؤالات

- ۱ آیا دین آرامشی بوجود میآورد؟
  - ۲ چرا جوانان امروزی از دین زده شده‌اند؟ آیا این بر اثر تبلیغ غلط روحانیین مانیت؟
  - ۳ فرق گوشتی که بطریق اسلامی ذبح شده باشد با گوشتی که بطریق غیر اسلامی ذبح میشود چیست؟
  - ۴ آیا وجود جن و پری صحت دارد؟
  - ۵ هر ساخته شده سازنده‌ای دارد، پس خدا را که آفریده است و از کجا بوجود آمده است؟
- آیا دین آرامشی بوجود میآورد؟
- هیچ گونه تردیدی در این نیست که اضطرابات مختلفی وجود دارد، این اضطرابات دارای علل گوناگون است و لذت آرامش روانی لذتی

است که میتوان گفت اژهه لذا یددل چسب تر و گوارا تر است بلکه باید گفت شکنجه اضطراب روح اذ بزرگترین شکنجه ها است که انسان تا میتواند برای مرتفع ساختن آن تلاش میکند، این آرامش و اضطراب که دو پدیده متضاد روحی میباشد چنانکه گفته شد علل گوناگونی دارند .

مثلاً بعضی از اضطرابات ناشی از فقر و فلاکت است بدون شك این اضطراب با بدست آوردن معاش لازم خواهد بود در این صورت آرامشی که ایجاد میشود معلول وضع تنظیم اقتصادی خواهد بود . اضطراب دیگری نیز اینست که از جهل و نادانی ناشی میشود .

آرامشی که این اضطراب را بر طرف خواهد ساخت علم و دانش است و هم چنین سایر اضطرابات آرامش های مخصوصی را مطالبه میکنند .

اکنون میتوانیم منشأ آرامشی را که از دین ایجاد میشود مورد بررسی قرار دهیم ، بدون تردید برای انسان در این زندگی دنیایکعه مسائلی مطرح است که تا حساب خود را با آن مسائل تصفیه نکند مضطرب و بهت زده خواهد بود ( البته پوشیده نماند که ما کسانی را اینچامنظور کرده ایم که معتدل و منطقی فکر میکنند و خود را با مسائل بی اساس نکرده اند ) .

احساس این مسائل از دو صحنه بزرگ انسان- جهان شروع میشود ، اما در باره خود انسان همیشه این سؤال پیش میآید : از کجا آمده ام ؟ چرا آمده ام ؟ بکجا میروم ؟ آیا در این زندگی تکلیفی دارم ، یا اینکه همان رسوم و عادات اجتماعی میتواند جوابگوی احساس تکلیف من بوده باشد ؟ اختلاف انسانها از حیث کامیابی و بینوائی از کجا سرچشمه

میگیرد ؟ ....

اما درباره جهان همین قدر این سؤال پیش می آید که آیا دستگاه  
باین عظمت هدفی در دنبال ندارد ؟ بدین معنی جهانی که که تمامی ذرات  
آن بطور سیستماتیک تنظیم شده است و احساس میشود که مانند نای موسیقی  
انگشت های منظمی با ترتیب روی سوراخهایش حرکت میکنند آیا آهنگی  
در دنبال ندارد ؟ « گو که گوشهای من آن آهنگ را نمیشنود »

این سؤالات هرگز با وسائل علمی و فلسفی گشودنی نخواهد بود ما  
اگر يك موجود برتری را بنام آفریننده کل تصدیق نکنیم اگر متوجه  
باشیم این سؤالات ایجاد اضطراب درونی نموده و آرامشی از نظر منطقی  
نخواهیم داشت بلی ممکن است چند کلمه اصطلاح فلسفه باقی ما را برای مدت  
محدودی تسلیت بدهد ولی اساسی نبوده دوباره قانع نشده تا آخر عمر  
يك اضطراب معنوی در وجدان خود احساس خواهیم کرد .

اما تشخیص اینکه کدامین دین از ادیان میتواند در ما ایجاد آرامش  
کند تنها با وسائل منطقی خواهد بود .

پس از تحریر این بیانات عباراتی از آناتول فرانسه بنظرم رسید  
که ذیلاً درج میکنم: « قدرت و نیکو کاری ادیان است که بآدمی علت وجود  
و عواقب کار را تعلیم میدهد وقتی که ما اصول عقاید فلسفه الهی را طرد  
نمائیم چنانکه تقریباً ما همه در این عصر علم و آزادی چنین فکر  
میکنیم وسیله دیگری نمی ماند که بدانیم چرا بدنیا آمده ایم و بچه کار  
بدین جهان قدم گذاشته ایم ؟ راز سر نوشت جملگی ما را در اسرار نیر و مند  
خود اخطاه کرده است و واقعاً باید بهیچ چیز نیاندیشیم تا ابهام غم انگیز  
زندگی را احساس نکنیم و در جهالت مطلق از علت وجودی ما است که

اندیشه غم‌واندوه ما وجود دارد آلام جسمی و روحی شکنجه‌های روح و احساسات سعادت و خوشبختی سفلیگان و نکبت را در باره رستگاران همه اینها باز قابل تعقل می‌باشد چنانکه بفلسفه آنهایی بردیم و بیک مشیت الهی معتقد بودیم شخص مؤمن از شکنجه‌ها و عذابهای روحی خود لذت میبرد و بیدادگریها و ستمگریهاییکه دشمنانش نسبت باور و امید دارند در نظرش دل‌چسب و گوارا جلوه می‌کند حتی گناهان و خطاها که از او سر میزنند از وی سلب امید نمی‌کنند اما در دنیایی که هر گونه شعله ایمان خاموش شده در دو مرض حتی معنی خود را از دست داده و دیگر بجز شوخیهای زشت و مسخرگیهای زنده تلقی نمی‌شود .

**چرا جوانان امروزی از دین زده شده‌اند؟ آیا این بر اثر تبلیغ غلط روحانین مانست؟**

**جواب.** عوامل متعددی را برای انصراف جوانان از دین میتوان تصور کرد، پیش از بیان بعضی از عوامل بایستی سؤال را دقیق‌تر و واقعی‌تر مطرح نمود. آنچه بنظر میرسد این است که روی هم رفته تظاهر بدین و گرایش بدین در ظاهر مجموعاً در اکثر طبقات ضعیف جلوه میکند منتهی جوانان که بعنوان طبقه تحصیل کرده و روشن فکر معرفی شده‌اند انصراف و اعراض آنها از دین جلوه بیشتری دارد یا جوانان میتوانند با فرا گرفتن بعضی از اطلاعات علمی و فنی اعراض خودشان را از دین استدلالی قلمداد کنند. بعضی از عوامل که باعث انصراف عده زیادی از مردم و مخصوصاً جوانان گشته است به‌قرار ذیل است :

۱ - افزایش ارتباط میان جوامع مختلف دنیا، در هر جامعه‌ای مانند اروپا دین و مذهب بیک عده اصول و احکامی گفته شده است که

امروزه با عقل و منطق نتوانسته‌اند سازگاری کنند و شروع بحملات نموده‌اند این حملات بعوض اینکه بدین و آئین شخصی متوجه شود بعنوان مطلق دین انجام گرفته است مثلاً دیدرو که یکی از اصحاب دائره المعارف فرانسه است باشش دلیل به مذهب مسیح حمله کرده است سپس هنگامیکه میخواست نتیجه بگیرد میگوید پس سستی و بی‌پایگی ادیان شش بار ثابت شد بدون اینکه دلائل او در سستی مذهب مسیح کوچکترین ربطی بدین اسلام داشته باشد.

۲ - اختلاط پدیده‌های غیر دینی با اصول و احکام دینی و قلمداد نمودن دین بایک عده صورتهای پراکنده.

۳ - محدودیت مطالعات جوانان ما که میتوان گفت یکی از اساسی ترین عوامل اعراض جوانان از دین میباشد اولاً جوانان خارج از کار تخصصی خود کاری انجام نمیدهند و دانسته یا ندانسته میخواهند جهان هستی و بشریت را در چهارچوبه فن تخصصی خود مطالعه کنند. جوانیکه فیزیک میخواند بگیاه شناسی علاقه‌ای نشان نمیدهد جوانیکه گیاه شناسی میخواند بحقوق علاقه‌ای نشان نمیدهد و هر يك از آنها معلومات معدوده خود را محور شناسائی‌های عمومی قرار میدهند

۴ - بعضی از اساتید و آموزگاران در پی ریزی بنای معلومات جوانان در رشته اختصاصی بطور کلاسیک نقش بزرگی را بعهده دارند.

۵ - بعضی از متصدیان و مقامات مسئول دینی آن اهمیت را که بواقعیت دین میدهند چنان اهمیتی را در باره تبلیغ و رساندن دین نشان نمیدهند میتوانم بگویم در این باره قصور زیادی رخ داده است.

۶ - مخصوصاً عدم تطبیق اعمال خارجی بعضی از روحانیان با ادعای بزرگی که دارند یکی از بزرگترین علل عقب ماندگی تبلیغات صحیح میباشد هر يك از این علل قابل بحث و گفتگوی زیادی است که فعلاً از بحث آن میگذریم .

س - فرق گوشتی که بطریق اسلامی ذبح شده باشد با گوشتی که بطریق غیر اسلامی ذبح میشود چیست ؟

ج - مسئله ذبح حیوانات را میتوان چنین توضیح داد که خاتمه دادن بزندگی يك جاندار با در نظر گرفتن اینکه مالک زندگی و مرک فقط و فقط خداوند بزرگ است کار ساده و معمولی نیست و عبارت روشن تر ما با کارد یا هر آلت کشنده ای بزندگی حیوان خاتمه بدهیم و لودست و پاژده و جان شیرینش را از دست داده ما هم از گوشت او استفاده کنیم با نظر بعظمت پدیدهی زندگی يك مسئله معمولی نیست حیوانیست زندگی را میخواهد ، او با هر گونه عوامل و علل مزاحمت بازندگیش مقاومت ورزیده بود . و ما این حیوان را بدون کوچکترین اعتناء بزمین زده و زندگی شیرین و جان او را بزور بگیریم بدون شك این مسئله خلاف قانون است بهمین جهت بود که ابوالعلاها و امثال آنها از خوردن گوشت حیوان اجتناب میورزیدند البته ما این کار را تخطئه میکنیم ، روی این ملاحظه اسلام میگوید در حال کشتن حیوان رو بقبله کنید و بسم الله بگوئید تا شکنجه روحی شما در باره کشتن حیوان بر طرف شود ، زیرا در آنحالت که حیوان را رو بمقام باعظمت بیت الله میگردانید و نام خدا را متذکر میشود در حقیقت اعتراف میکنید که شما کشنده حیوان هستید و این

دستور خداوند بزرگ است که مالک حیات و موت است و شما خود سرانه بزندگی جانداران حکومت نمیکنید ، حال ملاحظه فرمائید ما که از برای خوردن گوشت حیوانات مجبوریم آیا اینگونه مربوط ساختن کشتن جانداران بخداوند منطقی تر نیست؟ و چون کفار نام خدا را نمی برند و حیوان را خود سرانه میکشند ما نمی توانیم اینگونه جان گرفتن را قانونی تلقی کنیم ، البته اکثریت آقایان فقهاء شیعه میگویند کفار اگر بسم الله راهم بگویند باز گوشت آن حیوان خوردنی نیست در مقابل عسانی و اسکافی و علامه بلکه بنا بقتل شهید دوم عده زیادی ذبیحه اهل کتاب را باز کر نام خدا تجویز فرموده اند ولی باید دانست که مشرکین و امثال آنها بجهت عدم اعتقاد بخداوند یکتا توجه حقیقی بخداوند ندارند لذا کشتن آنها بکلی غیر قانونی خواهد بود.

### آیا وجود جن و پری صحت دارد ؟

بعضی ها عقیده دارند کسانی که حالتی میشوند یعنی يك حالت مخصوص آنها را دست میدهد در اثر اینست که جن و پری در بدن آنها جای میگیرد آیا صحت دارد ؟

لفظ قادر باره کلمه جن و شیطان و ماهیت این دو که در قرآن از آن یاد شده است ما را آسمان سازید .

انکار موجودات ماورای محسوسات خارج از موازین و اصول علمی است ، مادر تاریخ شاهد صدها حقایق و نیروها بوده ایم که برای گذشتگان محسوس نبوده سپس پیشرفت علوم وجود آنها را اثبات و کشف و محسوس کرد .

تمام پدیده‌های روانی و جاذبیت عمومی ، فعلا دانه‌الکترون و ده‌ها امثال این حقایق محسوس نبوده و هم‌اکنون هم عده زیادی از امثال این حقایق بحس و وارد نشده است .

بنا بر این از لحاظ علمی محال است چنین موجوداتی را منقی پنداشت .

از آن طرف قرآن از وجود جن و پری خبر داده است . البته اینکه بعضی‌ها گمان میکنند این قبیل موجودات با افراد انسانی صدمه‌ای میزنند بطور مطلق صحیح نیست ، این موجودات بضرر ما کاری انجام نمیدهند بلکه این حالت روانی بعضی از افراد است که خود را مبتلا میسازند .

اما شیطان يك موجود پلیدی معرفی شده است که بجهت تکبر در مقابل مقام شامخ ربوبی رانده شده و چون ما نندسایر موجودات فیزیکی نیست میتوان در روانهای انسانی و سوسه‌ها و تلقینات نماید .

البته این و سوسه‌ها و تلقینات هیچ فردی را از حالات طبیعی خود خارج نساخته و انسان میتواند در مقابل آن مقاومت نشان داده و فعالیت آنرا خنثی بسازد . مثل شیطان مانند نفس شهوی انسانی است چنانچه نیروی عقل و وجدان انسانی می‌تواند در مقابل نفس شهوی او مقاومت بورزد ، هم‌چنین در مقابل شیطان ، و مخفی نماید که شیطان با خداوند جنبه مبارزه ندارد چنانکه در مکتب یزدان واهر من دیده می‌شود . بلکه چنانکه گفته شد مانند نفس شهوی انسانی است او با اختیار خود موجود پلیدی شده است در نتیجه ما نند طبیعت ثانوی نیش عقرب بی شده است که نه از راه فرض با خدا است بلکه اقتضای طبیعتش شده است .



واما طبیعت شیطان اگر چه از آتش معرفی شده است ولی باید در نظر گرفت که این آتش ممکن است بمعنای يك ماده محترق نبوده باشد بلکه سنخ مخصوصی است که شباهت بآتش دارد چنانکه در بعضی از مدارك معتبر اسلامی ماده آب اصل و ریشه تمام موجودات معرفی شده است و مقصود يك ماده مایع شبیه بآب است که میتواند بصورت های گوناگون جهان طبیعت در آید.

هر ساخته شده سازنده ای دارد، پس خدایا که آفریده است  
 و از کجا بوجود آمده است؟

این سؤال در فکر افراد زیاد وارد میشود، حتی بعضی از اشخاص متفکر نیز این سؤال را مطرح ساخته و آن را بدون جواب تلقی کرده اند هنگامی این سؤال منطقی است که ما از دستگاه سیستماتیک موجودات يك سرسلسله ای رسیده باشیم، و عبارت روشنتر ما از این قانون که هر معلولی علتی میخواهد یا هر حرکت به محرکی نیازمند است، یا يك مجموعه سیستماتیک احتیاج به ایجاد کننده سیستم دارد باین نتیجه رسیده ایم که این دستگاه با عظمت بوجود آوریننده ای نیازمند است. پس از این سؤال مزبور مطرح میشود که پس این آفریننده را که آفریده است.

در جواب این سؤال میتوان گفت: ما بچه علت از موجودات جهان هستی سراغ خداوند رفته ایم؟ مگر برای این نیست که جهان هستی را معلول محتاج بدلت دیدیم و علت های جزئی و نسبی ما را قانع نساخت بنا بر این خدای مطلق را بعنوان مطلق قبول کردیم اگر این سؤال مطرح شود که آن خدایا که آفریده است؟ لازمه اش اینست که موجود

سرسلسله را که بعنوان علت نهائی فرض کرده بودیم علت نهائی و سرسلسله نبوده است، زیرا سؤال از علت چنانکه گفتیم معنایش اینست که آن علت مفروض هم جزء همین موجودات است نتیجتاً ما بایستی در خود سلسله موجودات بوده باشیم، و عبارت روشنتر ما اثبات خدا بعنوان يك علت سرسلسله نکرده ایم در صورتیکه مفروض اینست که قان-ون علت و معلول یا حرکت و محرك یا اصل سیستماتیک ما را به علت سرسلسله رسانیده بوده است پس سؤال از اینکه آن علت از کجا آمده است سؤال منطقی نخواهد بود.

اگر بخواهیم حل این سؤال را مستقیماً دریافت کنیم بایستی این اصل را در نظر بگیریم که اصل هر ساخته شده سازنده ای می خواهد فقط مخصوص به ساخته شده ها است یعنی ما از علت و وجوداتی باید پرسیم که نبودند و وجود گشتند و اما حقیقتی که هیچ گونه حالت نیستی برای او تصور نشود چگونگی می توان از علت آن حقیقت سؤال نمود؟ خداوند حقیقتی است که سابقه نیستی ندارد و هستی او چیزی نیست که بعداً وجود پیدا کند تا پرسیم خدا از کجا آمده است؟

این سؤال شبیه باینست که ما پرسیم که مثلث چرا سه ضلعی شده است؟ کوه چرا فراز و نشیب دارد؟ هر دو سؤال غلط است، زیرا معنای اینکه مثلث را که سه ضلعی کرده است و یا چرا سه ضلعی شده است اینست که موقعی بوده است که مثلثها سه ضلعی نبوده اند بعداً سه ضلعی شده اند. و اما اینکه بگوئیم: سلسله ساخته شده ها بی نهایت است و بهیچ علت مستقلی وابستگی ندارد، صحیح نیست زیرا بی نهایت با وجود خارجی

از جنبه علمی سال‌گاران نیست اگر چه از جنبه ریاضی بواسطه خصیصه مغز که ساختن اعداد و ابعاد بی نهایت است امکان پذیر میباشد و بعبارت دیگر ما بجهت خاصیت مغزمان میتوانیم بی نهایت بسازیم و این ساختن بی نهایت بحقیقت جهان موجود فیزیکی مربوط نیست .

خلاصه بطلان بی نهایت در جهان طبیعت و قانون و سیستم علت و معلول ما را بوجود علتی بعنوان سرسلسله میرساند و اگر سؤال از علت آن سرسلسله بنمائیم بایده طلب تصدیق شده‌ای را انکار کنیم سپس این سؤال را مطرح کنیم ، آن مطلب تصدیق شده اینست که ما بسر سلسله‌ای میرسیم که آن علت مطلق میباشد .

### نظر روسو درباره زن

زن فقط برای خاطر مرد وجود دارد یعنی برای این خلق شده است که پسند او واقع شود و با او اطاعت نماید این اقتضای طبیعت است. وظایف زن و مرد یکی نیست زن بیش از مرد موظف است عقیقه باشد و عقیقه شمرده شود آنهائیکه الامساوات زن و مرد طرداری میکنند پرت میگویند .

«امیل» ترجمه - زیر کژاده»